



یونان

حقیقت نبرد ماراتن

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۸ مهر ۱۳۹۲ ۹۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

نبرد ماراتن در سال ۵۱۰ قبل از میلاد هیپپاس از خاندان پیزیسترات جبار آتن توسط مردم اسپارت از آتن رانده و هیپپاس به آرتافرنس والی سارد پناهنده شد. اهالی آن شهر نماینده ای را نزد آرتافرنس فرستادند و از وی خواستند که به هیچ وجه به هیپپاس مساعدت نکند اما والی سارد به این گفتار جوابی نداد و گفت آتنی ها باید جبار خود را به آتن راه دهند. این اختلاف و همچنین شورش جزایر ایونی موجب یک سلسله محاربات بین ایران و یونان شد. ... (این نوشته را از دست ندهید) در زمان لشکر کشی داریوش بزرگ به سرزمین سکاها چون هیستیه



نبرد ماراتن

در سال 510 قبل از میلاد هیپپاس از خاندان پیزیسترات جبار آتن توسط مردم اسپارت از آتن رانده و هیپپاس به آرتافرنس والی سارد پناهنده شد. اهالی آن شهر نماینده ای را نزد آرتافرنس فرستادند و از وی خواستند که به هیچ وجه به هیپپاس مساعدت نکند اما والی سارد به این گفتار جوابی نداد و گفت آتنی ها باید جبار خود را به آتن راه دهند.

این اختلاف و همچنین شورش جزایر ایونی موجب یک سلسله محاربات بین ایران و یونان شد.

... (این نوشته را از دست ندهید)

در زمان لشکر کشی داریوش بزرگ به سرزمین سکاها چون هیستیه جبار شهر میله به دستور داریوش بزرگ پلی بر روی رودخانه دانوب بوسیله کشتی های خود تعبیه کرد شاهنشاه ایران حکومت میرکینوس یکی از شهر های ایالت تراس را نیز به وی اعطا کرد اما چندی نگذشت که هیستیه بدون اجازه و اطلاع شاهنشاه شروع به احداث استحکاماتی در آن شهر نمود و داریوش بزرگ او را از حکومت خلع نموده و داماد وی آریستاگوراس را به جای او به حکومت میله گماشت. هیستیه در زندان شوش بنای رابطه با او را گذاشت و وی را تحریک به شورش علیه حکومت مرکزی کرد.

طی یک سری رخدادهایی که در جریان شورش مجمع الجزایر ایونی روی داد ایونیان به سارد لشکر کشیدند و در سال 498 پیش از میلاد حصار اطراف شهر سارد را فتح کرده و به آتش سوزاندند اما به استحکامات داخلی دست نیافته و عقب نشینی کردند و در راه توسط دسته ای از سپاهیان ایران نابود شدند. تصرف قسمتی از سارد توسط شورشیان و

آتنی‌هایی که به کمک شورشیان آمده بودند در مقابل قدرت شاهنشاهی ایران جز حادثه‌ای مختصر مسئله‌ای دیگر نبود اما چنان در بین ساکنین جزایر کوچک یونانی سروصدا به راه انداخت که داریوش بزرگ را به سختی خشمگین کرد و دستور داد یکی از غلامان در موقع تناول غذا همواره این حادثه را به یاد شاهنشاه بیاورد.

شورشیان بر اثر این حادثه بر جسارت خود افزودند و بر مستملکات ایران دست درازی کردند قوای دریایی یونان مرکب از 353 فروند کشتی در جزیره لاده توسط 600 فروند کشتی نیروی دریایی ایران به کلی نابود شدند. زمانی که در جزایر یونانی اغتشاش برپا شده بود ایران سپاهیان مقیم تراس و مقدونیه را برای سرکوبی شورش فراخواند و همین امر موجب استقلال آن دو ایالت گردید و داریوش بزرگ درصدد برآمد اطاعت ایالات ازدست رفته را بازابد.

اینها علل لشکر کشی داریوش شاه به یونان است. داریوش بزرگ سردار معروف خود مردونیه را به سال 493 پیش از میلاد مامور لشکرکشی به یونان کرد. مردونیه به آسانی آن ناحیه را قبضه کرد و الکساندر پادشاه مقدونیه را وادار به اطاعت از ایران کرد. در این لشکر کشی مردونیه توانست سلطنت ایران را برای بار دوم در تراکیه فراهم سازد ولی قسمت اعظم سفاین حمل کننده آذوقه سپاهیان ایران بر اثر طوفانی شدید غرق گردید و موقتاً کار حمله به یونان معطل ماند و داریوش شاه مردونیه را فراخواند. داریوش بزرگ دو سردار دیگر خود بنام های داتیس و آرتافرن را از راه دریایی به یونان روانه کرد و در راه تمام جزایر اطاعت از ایران را گردن نهادند.

قوای دریایی ایران همچنین جزیره ناکسوس را نیز قبضه کرد اما جزیره دلوس به علت وجود کلیسایی عظیم در آنجا مورد تعرض قرار نگرفت. سپاه ایران سپاه اریتره را نیز در هم کوبید. در تمام این مراحل هیپیباس فرمانروای مخلوع آتن همراه سپاهیان ایران بود و وی خلیج ماراتن را جهت پیاده شدن نیروهای ایران توصیه کرد. دشت ماراتن برای عملیات نظامی سواره نظام ایران مناسب به نظر می آمد. بنا به نوشته کرنلیوس عده پیاده نظام ایران دویست هزار نفر و سواره نظام ده هزار نفر بوده است مورخ دیگری بنام یوستن تعداد کل نیروهای ایران را 600 هزار نفر بیان نموده است و ادوارد مه یر متخصص تاریخ عهد قدیم سپاهیان ایران را جمعا بیست هزار نفر بیان نموده است.

سلاح ایرانیان در این جنگ تیرو کمان و سپر بود به استثنای سپاه جاویدان که دارای اسلحه دفاعی بودند. مورخان تعداد یونانی‌ها را یازده هزار نفر ذکر نموده اند. آتنی‌ها زمانی که از لشکر کشی ایران به یونان آگاه شدند توسط فیلیپ پید دونده مشهور و تند رو پیامی برای اسپارتی‌ها فرستادند و درخواست کمک فوری نمودند و خود نیز آماده نبرد شدند. اسپارتی‌ها پیام فرستادند که به آنان کمک خواهند کرد اما به علت جشن های مذهبی این کمک دو هفته به تاخیر خواهد افتاد. تقریباً در همان موقع به آتنی‌ها خبر رسید که ایرانیان در حدود 40 کیلومتری ماراتن در حال پیاده شدن به ساحل هستند. آتنی‌ها به بلندی های مشرف به دریا پیشروی کردند و پیاده شدن نیروهای ایران را به نظاره نشستند.

فرماندهی آتنی‌ها را در این جنگ کالی‌ماک و ده سردار دیگر آتنی که تحت فرماندهی او بودند به عهده داشتند که میلیتاد با تجربه ترین آنها بود. پس از پیاده شدن بخشی از نیروهای ایران آرتافرن با نیمی از سپاه ایران به سمت آتیک و آتن حرکت نمودند. سپاهیان ایران و یونان چند روزی بدون اقدام به جنگ در مقابل یکدیگر قرار داشتند به علت آن که یونان در خود جرات حمله به قوای ایران را که از حیث عده فزونی غیر قابل مقایسه ای با یونانیان داشتند نمی دیدند و سرداران آنها نیز راجع به این قسمت تردید داشتند.

در نهایت میل‌تید فرمانده قوای یونان را متقاعد کرد که تنها وسیله نجات مبادرت به حمله به ایرانیان است. پس از تشکیل یک شورای جنگی پرشور کالی‌ماک به پشتیبانی از طرح جسورانه میل‌تید رای داد و فرماندهی فردا را به او تفویض نمود و بلافاصله نیروهای آتنی از ارتفاعات فرود آمدند و در فاصله یک مایلی (1472 متری) ایرانیان آرایش رزمی گرفتند. میل‌تید آرایش سپاه یونان را طوری چید که مرکز سپاه آتنی‌ها ضعیف (12 ردیف سرباز در عمق) گردید اما جناحین سپاه را با عمق کانال فالانژ (16 سرباز در عمق) آرایش داد.

پس از این آرایش آتنی‌ها اقدام به تعرض نمودند و حمله را به یکباره آغاز نمودند و دوان دوان به سوی سپاهیان ایران یورش بردند و همین که سربازان آتنی مقابل ایرانیان رسیدند جنگی سخت و خونین آغاز گردید. در ابتدای عملیات ایرانیان به سهولت مرکز آرایش یونانی‌ها را به عقب راندند در حالی که فالانژهای سنگین اسلحه در جناحین جناحین نیروهای ایران را به عقب راندند. در این مورد مورخان اختلاف عقیده دارند که آیا این عمل یونانی‌ها برابر طرح انجام شده یا بطور اتفاقی روی داده است. با غلبه یونانی‌ها در جناحین مرکز آرایش ایران نیز به عقب آمده و به فرمان داتیس نیروهای ایران به طرف ساحل عقب نشینی نمودند. و علت این امر وسعت کم دشت ماراتن بود که مانع از ادامه عملیات سواره نظام ایران گردید. یونانی‌ها نیروهای ایران را تا ساحل تعقیب نمودند ولی نتوانستند از سوار شدن آنان بر کشتی‌ها جلوگیری نمایند...

بررسی وقایع و علل عقب نشینی ایرانیان از ماراتن:

لازم به ذکر است که قشون ایران در جنگ ماراتن شکست نخورد بلکه عقب نشینی کرد و عقب نشینی یکی از فنون جنگی و نظامی است.

یکی از نواقص لشکر ایران این بود که به جز آن قسمت زبده که گارد جاویدان بود و گاهی هم همانند نبرد ماراتن قلب سپاه دشمن را می‌شکافت جناحین سپاه ایران اسلحه دفاعی نداشتند و اسلحه آنها تیرو کمان بود که برای نبرد تن به تن کارایی نداشت و گارد جاویدان نیز مجبور بود برای مساوی داشتن صف خود با بقیه جنگجویان عقب بنشینند تا مبادا توسط سپاهیان دشمن محاصره شوند. عدم موفقیت ایرانیان را در حادثه ماراتن مورخین خارجی با آب و تاب تمام روایت می‌کنند و عقب نشینی سپاهیان پادشاهی چون داریوش بزرگ را جزء افتخارات ملی خویش به شمار می‌آورند غافل از آنکه ویران کردن آتن توسط خشایارشا به اندازه کافی رعایای آتنی ایران را گوشمالی داد.

نی‌بور می‌گوید: نوشته‌های یونانی‌ها در باره نبرد ماراتن و جنگ‌های دیگر ایران با یونان به شعر و افسانه‌گویی و داستان‌سرایی شبیه‌تر است تا تاریخ. آنچه به نظر می‌رسد این است که سپاه ایران در دشت ماراتن دچار شکست نشده است بدین معنی که چون داتیس فرمانده سپاه ایران متوجه شد که میدان عمل و باریک بودن عرض میدان نبرد مانع از کاربرد سواره نظام است ناچار شد که فرمان عقب نشینی صادر نماید. این در حالی است که هروودوت صدور فرمان عقب نشینی را به منزله شکست سپاهیان ایران قلمداد کرده است.

ناپلئون در یادداشت‌های خود چنین می‌نویسد: در باب فتوحاتی که یونانیان به خود نسبت می‌دهند و شکست‌هایی که برای ایرانیان قائلند نباید فراموش کرد که این گفته‌ها تماماً از یونانی‌هاست و گراف‌گویی و لاف زنی‌های آنان نیز مسلم است. از طرف ایران نیز نوشته‌ای به دست نیامده تا بتوان این نوشته‌ها را با گفته‌های یونانی

مقایسه کرد و نتیجه را بر مبنای قضاوت قرار داد.

اما جالب ترین اظهار نظر نتایج توام با تحقیقات علمی هانس ولبروک مورخ آلمانی است. او در این باره می نویسد: هرودوت نوشته است که یونانی ها با حمله و پیشروی 4800 قدم در وسط دشت ماراتن و خرد نمودن مرکز جبهه ایرانیان فاتح شدند اما ولبروک خاطر نشان می کند که این عمل از نظر فیزیکی غیر ممکن است. طبق آیین نامه های نظامی مشق صف جمع ارتش آلمان سرباز با تجهیزات کامل می تواند در دقیقه تقریباً فقط 1080 تا 1150 قدم بدود. اسلحه آتشی ها از سربازان کنونی آلمان سبک تر نبود و دو نقص کلی هم داشتند. یکی این که آنان سربازان حرفه ای نبودند دیگر اینکه سن غالب آنها از حد مجاز ارتشهای نوین تجاوز نمی کرد. تاکتیکی که توسط هرودوت تشریح شده بود آشکارا غیر ممکن بود.

ولبروک در خاتمه می نویسد: دشت ماراتن به قدری کوچک است که در زمان هیتلر یک افسر ستاد ارتش آلمان که از آنجا بازدید نموده بود با تحریر نوشت که برای یک تیپ پروسی آلمانی جای کافی برای انجام تمرینات ندارد...

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «حقیقت نبرد ماراتن»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsijandej.ir/articles/1361/pdf/حقیقت-نبرد-ماراتن.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۲۷ مهر ۱۳۹۹